



بسم الله الرحمن الرحيم

منابع مالی حکومت اسلامی

منبع دوم: زمین ها

بحث حاضر در مورد منبع مالی بودن زمین ها برای حکومت اسلامی است که یکی از زمین ها، اراضی مفتوحة عنوه بغیر اذن امام علیه السلام است که ملک حکومت هستند و مجاهدین و مقاتلین سهمی در آن ندارند. أدله ای در این زمینه اقامه شده است که عمده آنها، مرسله وراق است.

در مقابل این روایت، روایات متعارضی مطرح شده است که مورد استدلال قرار گرفته اند برای اینکه زمین های مفتوحة عنوه بغیر اذن امام علیه السلام، ملک امام علیه السلام و یا حکومت نیستند بلکه این زمین ها ملک خود مجاهدین است و بین آنها تقسیم خواهد شد. در نتیجه این زمین ها جزو منابع مالی حکومت اسلامی محسوب نمی شوند. تاکنون مباحثی در این زمینه مطرح شده و به برخی از روایات، پاسخ داده شده است.

روایات مربوط به اراضی خراجیه

دسته دیگری از روایات که به عنوان معارض برای مرسله وراق مطرح شده، روایات مربوط به اراضی خراجیه است که این روایات به صورت کلی این زمین ها را ملک مسلمین دانسته است و از این جهت که جنگ با اذن امام علیه السلام و یا بدون اذن ایشان را شامل است، ادعا شده است که بین این روایات و مرسله وراق تعارض وجود دارد. در ابتدا به چند روایت در ارتباط با اراضی خراجیه اشاره می شود تا در ادامه، رابطه این روایات با مرسله وراق مورد بررسی قرار گیرد.

روایت اول: روایت ابی بردة بن رجا

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي بُرْدَةَ بْنِ رَجَاءٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ كَيْفَ تَرَى فِي شِرَاءِ أَرْضِ الْخَرَجِ قَالَ وَمَنْ يَبِيعُ ذَلِكَ هِيَ أَرْضُ الْمُسْلِمِينَ قَالَ قُلْتُ: يَبِيعُهَا الَّذِي هِيَ فِي يَدِهِ قَالَ وَ يَصْنَعُ بِخَرَجِ الْمُسْلِمِينَ مَاذَا ثُمَّ قَالَ لَا بَأْسَ اشْتَرَى حَقَّهُ مِنْهَا وَ يُحَوِّلُ حَقَّ الْمُسْلِمِينَ عَلَيْهِ وَ لَعَلَّهُ يَكُونُ أَقْوَى عَلَيْهَا وَ أَمْلَأَ بِخَرَجِهِمْ مِنْهُ.^۱

در سند این روایت، ابی بردة بن رجاء قرار دارد که برای تصحیح سند روایت، باید از مبنای مشایخ ثلاثه استفاده گردد؛ چون صفوان بن یحیی از ابی بردة نقل کرده است. طبق این مبنا، ابی بردة توثیق شده و روایت صحیح یا معتبره می شود، اما اگر این مبنا مورد پذیرش قرار نگیرد، روایت به لحاظ سندی با اشکال مواجه است.

در این روایت از اراضی خراجیه - که همان اراضی مفتوحة عنوة هستند - سؤال شده است. امام صادق علیه السلام فرموده اند: چه کسی می فروشد؟ مقصود امام علیه السلام از این تعبیر این است که امکان فروختن اراضی خراجیه وجود ندارد و کسی نمی تواند آنها را بفروشد. در ادامه امام علیه السلام تصریح کرده اند که این زمین ها ملک مسلمانان هستند و ملک کسی نیست که بتواند آنها



جلسه: ۸۲
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

را بفروشد. سائل در پاسخ به امام علیه السلام عرض می کند کسانی که این زمین ها را در اختیار دارند و مسلط بر آن هستند، اقدام به فروش می کنند. امام علیه السلام به خراجی که متعلق به مسلمانان است، اشاره کرده و بیان می فرمایند که خریداری این زمین ها موجب می شود که خراج آنها بر عهده خریدار ثابت شود که از این جهت، با توجه به اینکه ممکن است خریدار از آن زمین ها درآمد بیشتری داشته باشد و خراج بیشتری به مسلمانان برسد، خریداری او اشکالی نخواهد داشت.

بنابراین از این روایت استفاده می شود که اراضی خراجیه متعلق به مسلمانان است و نهایتاً کسی که خریداری می کند، باید خراج آن را پرداخت کند. از طرف دیگر روایت اختصاص به فتح های با اذن امام علیه السلام ندارد، بلکه جنگ و فتح بدون اذن امام علیه السلام را هم شامل می شود.

در این روایت دو اشکال از نظر دلالت بر بحث حاضر وجود دارد:

اشکال اول: در این روایت ابتدا اراضی خراجیه فرض شده و سپس تعلق آن به مسلمانان بیان شده است؛ لذا بر اساس آن، اراضی مفتوحة عنوه ای وجود دارد که متعلق به مسلمانان است. اما اینکه اراضی خراجیه چه مصداق هایی دارد و بر چه زمین هایی گفته می شود، از این روایت استفاده نمی شود و محتمل است که زمین های فتح شده بدون اذن امام علیه السلام، اراضی خراجیه نباشد.

اشکال دوم: بر فرض اراضی خراجیه بودن مفروض گرفته نشده باشد، روایت در مقام شرائط ارض خراجی شدن نیست بلکه صرفاً حکم خریداری این زمین ها را بیان کرده است. بنابراین نمی توان به اطلاق روایت تمسک کرده و مدعی شد که همه اراضی خراجیه ولو اینکه بدون اذن امام علیه السلام فتح شده باشد، ملک مسلمین بوده و جزو اراضی خراجیه است.

تفاوت اشکال اول و دوم در این است که بر اساس اشکال اول، ارض خراجی بودن مفروض گرفته شده است، اما با توجه به اینکه مقصود از ارض خراجی چیست، قدر متیقن گرفته می شود. اما اشکال دوم این است که حتی اگر مفروض گرفته نشده باشد، روایت در مقام بیان ارض خراجیه نیست بلکه صرفاً حکم آن را بیان کرده است.

روایت دوم: صحیحه حلبی

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِيِّ قَالَ:
سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَنِ السَّوَادِ مَا مَنَزَلَتُهُ فَقَالَ هُوَ لِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ لِمَنْ هُوَ الْيَوْمَ وَلِمَنْ يَدْخُلُ فِي الْإِسْلَامِ بَعْدَ
الْيَوْمِ وَلِمَنْ لَمْ يُخْلَقْ بَعْدَ فَقُلْتُ الشَّرَاءُ مِنَ الدَّهَاقِينِ قَالَ لَا يَصْلُحُ إِلَّا أَنْ تُشْتَرَى مِنْهُمْ عَلَى أَنْ يُصَيِّرَهَا لِلْمُسْلِمِينَ
فَإِذَا شَاءَ وَلِيُّ الْأَمْرِ أَنْ يَأْخُذَهَا أَخَذَهَا قُلْتُ فَإِنْ أَخَذَهَا مِنْهُ قَالَ يَرُدُّ عَلَيْهِ رَأْسَ مَالِهِ وَلَهُ مَا أَكَلَ مِنْ غَلَّتِهَا بِمَا
عَمِلَ.^۱

مقصود از «سواد»، سرزمین عراق است که به شدت سرسبز بوده و از شدت سبزی، از دور سیاهی می زده است و لذا تعبیر به «سواد» شده است. امام صادق علیه السلام سرزمین عراق را تا روز قیامت متعلق به مسلمانان دانسته اند که این کلام ایشان اطلاق دارد و شامل همه زمین های عراق اعم از مفتوحة عنوه با اذن و بدون اذن امام علیه السلام می شود. بیان دیگر این است که عراق

۱. وسائل الشیعة ۱۷: ۳۶۹.



جلسه: ۸۲
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

قدرمیتقن از سرزمین هایی است که عمر فتح کرده است و فتح او نیز بدون اذن امام علیه السلام بوده است. بنابراین این روایت اختصاص به اراضی مفتوحة عنوة بغیر اذن امام دارد و دلالت آن بالاتر از اطلاق است.

مناقشه در استدلال ذکر شده این است که اگرچه روایت به لحاظ سندی صحیح است، اما به لحاظ دلالتی با این اشکال مواجه است؛ چون به صورت قضیه خارجیه بیان کرده است که عراق، مفتوحة عنوة ای است که ملک مسلمانان است، اما اینکه فتح عراق با اذن یا بدون اذن بوده است، روشن نیست. درباره فتح های عمر نیز در مباحث پیشین مطرح گردید که مأذون بودن فتح های او ثابت نیست کما اینکه مأذون نبودن نیز ثابت نیست.

بنابراین همان طور که امام خمینی در کتاب البیع بیان فرموده اند، ممکن است فتح عراق با اذن امام علیه السلام بوده است و به همین دلیل، امام علیه السلام آن را متعلق به همه مسلمین دانسته اند و از طرف دیگر این احتمال هم وجود دارد که فتح عراق، بدون اذن بوده باشد، اما در فتح اراضی خراجیه، اذن امام علیه السلام معتبر نباشد؛ یعنی فتح غیر مأذون هم ملک مسلمین باشد. در نتیجه به جهت دو احتمال ذکر شده، روایت مجمل خواهد بود.

روایت سوم: روایت محمد بن مسلم

وَ [محمد بن یعقوب] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ سِيرَةِ الْإِمَامِ فِي الْأَرْضِ الَّتِي فُتِحَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع قَدْ سَارَ فِي أَهْلِ الْعِرَاقِ سِيرَةً فَهُمْ إِمَامٌ لِسَائِرِ الْأَرْضِينَ وَ قَالَ إِنَّ أَرْضَ الْجَزْيَةِ لَا تَرْفَعُ عَنْهُمْ الْجَزْيَةَ ثُمَّ ذَكَرَ الْحَدِيثَ السَّابِقَ.^۱

این روایت را شیخ طوسی به اسناد خود از محمد بن علی بن محبوب^۲ و شیخ صدوق از محمد بن مسلم نقل کرده است.^۳ اما صاحب وسائل این روایت را به سندی از شیخ کلینی در کافی نقل کرده است، در حالی که این روایت در کتاب کافی موجود نیست؛ لذا مشخص نیست که صاحب وسائل چگونه از کافی به این روایت دست یافته است. به هر حال سند روایت صحیح است. در این روایت محمد بن مسلم از سیره امام باقر علیه السلام درباره زمین های فتح شده بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال کرده است. امام علیه السلام در پاسخ فرموده اند: امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به زمین های عراق که امام سایر زمین ها است، سیره ای را پیاده کرده اند؛ یعنی تمامی زمین های مفتوحة عنوة بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همانند زمین های عراق هستند. در ادامه امام باقر علیه السلام ارض خراجیه را مطرح کرده اند که ملک مسلمین است. البته در روایت به صراحت اشاره نشده است که ملک مسلمین است، اما از خارج معلوم بوده است که ارض سواد، ملک جمیع مسلمین است.

برای استدلال به این روایت باید گفته شود که سؤال از زمین های فتح شده بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که اطلاق دارد و همه زمان ها اعم از زمان حاکم اول و دوم، زمان عثمان، معاویه، بنی امیه و بنی عباس را شامل می شود. از نظر مأذون بودن و نبودن نیز هر دو صورت را شامل است. امام باقر علیه السلام نیز در پاسخ بیان کرده اند که تمامی زمین های فتح شده بعد از پیامبر

۱. وسائل الشیعة ۱۵: ۱۵۴.

۲. تهذیب الأحکام ۴: ۱۱۸.

۳. من لا یحضره الفقیه ۲: ۵۳.



جلسه: ۸۲
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

اکرم صلی الله علیه و آله همانند عراق است که این تعبیر، اطلاق دارد و همان طور که زمین های فتح شده در زمان خود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که مفتوحه عنوه به اذن امام علیه السلام بوده است، را شامل می شود، زمین های فتح شده در زمان عمر، عثمان، بنی امیه، بنی عباس که بخشی از آنها مسلماً بدون اذن بوده است را شامل می شود. با توجه به اینکه سوال از همه زمین های فتح شده بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و پاسخ امام علیه السلام هم ناظر به همه زمین های فتح شده است، دلالت روایت قابل قبول است و اشکالی بر آن وارد نیست.

روایت چهارم: روایت احمد بن محمد بن ابی نصر

و [محمد بن الحسن] بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ فِي حَدِيثٍ قَالَ: ذَكَرْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع الْخَرَجَ وَ مَا سَارَ بِهِ أَهْلُ بَيْتِهِ فَقَالَ مَا أَخَذَ بِالسَّيْفِ فَذَلِكَ إِلَى الْإِمَامِ يُقْبَلُ بِالَّذِي يَرَى وَ قَدْ قَبِلَ رَسُولُ اللَّهِ ص خَيْبَرَ - وَ عَلَيْهِمْ فِي حِصَصِهِمُ الْعُشْرُ وَ نِصْفُ الْعُشْرِ^۱.

این روایت به لحاظ سندی صحیح است.

در این روایت از حکم خراج سوال شده است و امام علیه السلام در پاسخ بیان فرموده اند: هر چه با شمشیر گرفته شده باشد، در اختیار امام علیه السلام قرار دارد و به هر کسی که صلاح بدانند، می دهند؛ کما اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خیبر این کار را انجام داده اند؛ یعنی برای مقاتلین و مجاهدین نیست. از طرف دیگر در مورد امام علیه السلام نیز از تعبیر «ذلک للامام» استفاده نشده، بلکه بیان شده است که «ذلک الی الامام»؛ یعنی اختیار آن با امام علیه السلام که به هر کسی بخواهد، تقبیل خواهد کرد. در نتیجه ظهور روایت این است که ملک امام علیه السلام نیست. از طرف دیگر تعبیر «ما اخذ بالسيف» نیز اطلاق دارد و شامل موارد بدون اذن نیز می شود.

ممکن است به عنوان اشکال بر این مطلب بیان گردد که در روایت احمد بن محمد، سوال از کیفیت خراج شده و اساساً نسبت به اینکه فتح، با اذن و یا بدون اذن بوده است، در مقام بیان نیست. در نتیجه از این جهت اطلاق نخواهد داشت. به نظر ما بعید نیست که از روایت اطلاق استفاده شود.

روایت پنجم: روایت دیگر از احمد بن محمد بن ابی نصر

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَشِيَمَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ جَمِيعاً قَالَا ذَكَرْنَا لَهُ الْكُوفَةَ وَ مَا وَضِعَ عَلَيْهَا مِنَ الْخَرَجِ وَ مَا سَارَ فِيهَا أَهْلُ بَيْتِهِ فَقَالَ مَنْ أَسْلَمَ طَوْعاً تَرَكَتْ أَرْضُهُ فِي يَدِهِ وَ أَخَذَ مِنْهُ الْعُشْرُ مِمَّا سَقَى بِالسَّمَاءِ وَ الْأَنْهَارِ وَ نِصْفُ الْعُشْرِ مِمَّا كَانَ بِالرِّشَاءِ فِيمَا عَمَرُوهُ مِنْهَا وَ مَا لَمْ يَعْمُرُوهُ مِنْهَا أَخَذَهُ الْإِمَامُ فَقَبَّلَهُ مِمَّنْ يَعْمُرُهُ وَ كَانَ لِلْمُسْلِمِينَ وَ عَلَى الْمُتَقَبِّلِينَ فِي حِصَصِهِمُ الْعُشْرُ أَوْ نِصْفُ الْعُشْرِ وَ لَيْسَ فِي أَقَلِّ مِنْ خَمْسَةِ أَوْسُقٍ شَيْءٌ مِنَ الزَّكَاةِ وَ مَا أَخَذَ بِالسَّيْفِ فَذَلِكَ إِلَى الْإِمَامِ يُقْبَلُ بِالَّذِي يَرَى كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص بِخَيْبَرَ قَبْلَ سَوَادِهَا وَ بَيَاضِهَا يَعْنِي أَرْضَهَا وَ

۱. وسائل الشیعة ۹: ۱۸۹.



جلسه: ۸۲
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

تَخْلَهَا وَ النَّاسُ يَقُولُونَ لَا تَصْلُحُ قِبَالَهٗ الْأَرْضِ وَ النَّحْلِ وَ قَدْ قَبِلَ رَسُولُ اللَّهِ ص خَيْرَ - قَالَ وَ عَلَى الْمُتَقَبِّلِينَ
سِوَى قِبَالَهٗ الْأَرْضِ الْعُشْرُ وَ نِصْفُ الْعُشْرِ فِي حِصَصِهِمْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ أَهْلَ الطَّائِفِ اسْلَمُوا وَ جَعَلُوا عَلَيْهِمُ الْعُشْرَ وَ
نِصْفَ الْعُشْرِ وَ إِنَّ مَكَّةَ دَخَلَهَا رَسُولُ اللَّهِ عَنُودَةً وَ كَانُوا أُسْرَاءَ فِي يَدِهِ فَأَعْتَقَهُمْ وَ قَالَ اذْهَبُوا فَأَنْتُمْ الطُّلَقَاءُ.^۱

این روایت نیز به لحاظ دلالت، شبیه روایت پیشین است؛ چون در آن تعبیر «وَ مَا أَخَذَ بِالسَّيْفِ فَذَلِكَ إِلَى الْإِمَامِ يُقْبَلُهُ بِالَّذِي يَرَى
كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص» به کار رفته است که این تعبیر اطلاق داشته و شامل فتح های بدون اذن امام علیه السلام هم می شود و
دلالت کرده است که صرفاً در اختیار امام علیه السلام است و در هر موردی که صلاح بدانند، مصرف خواهند کرد، کما اینکه پیامبر
اکرم صلی الله علیه و آله نیز این چنین بوده اند.

البته به لحاظ سندی تفاوتی وجود دارد که در روایت پیشین، احمد بن محمد بن عیسی بدون واسطه از احمد بن محمد بن ابی نصر
نقل کرده است، اما در این روایت، علی بن احمد بن اشیم واسطه است که در سند روایت اشکال ایجاد می کند.

روایت ششم: مرسله حماد بن عیسی

مرسله حماد بن عیسی روایت طولانی است که تفصیل آن در مباحث پیشین مطرح شده است. از نظر سندی تنها مشکل آن این
است که در آن از تعبیر «بعض اصحابنا» استفاده شده است.

در این روایت بعد از بحث طولانی درباره خمس غنائم و همچنین تعلق صفو المال به امام علیه السلام و نکاتی دیگر آمده است:

وَ الْأَرْضُونَ الَّتِي أُخِذَتْ عَنْهُ بِخَيْلٍ أَوْ رِكَابٍ فَهِيَ مَوْقُوفَةٌ مَتْرُوكَةٌ فِي يَدَي مَنْ يَعْمُرُهَا وَيُحْيِيهَا وَيَقُومُ عَلَيْهَا عَلَى
مَا صَالَحَهُمُ الْوَالِي عَلَى قَدْرِ طَائِفَتِهِمْ مِنَ الْحَقِّ النَّصْفِ أَوْ الثُّلُثِ أَوْ الثُّلُثَيْنِ عَلَى قَدْرِ مَا يَكُونُ لَهُمْ صَالِحاً وَ لَا
يَضُرُّهُمْ إِلَى أَنْ قَالَ وَ يُؤْخَذُ بَعْدَ مَا بَقِيَ مِنَ الْعُشْرِ فَيُقَسَّمُ بَيْنَ الْوَالِي وَ بَيْنَ شُرَكَائِهِ الَّذِينَ هُمْ عُمَّالُ الْأَرْضِ وَ
أَكْرَتُهَا فَيُدْفَعُ إِلَيْهِمْ أَنْصِبَاؤُهُمْ عَلَى مَا صَالَحَهُمْ عَلَيْهِ وَ يُؤْخَذُ الْبَاقِي فَيَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ أَرْزَاقُ أَعْوَانِهِ عَلَى دِينِ اللَّهِ
وَ فِي مَصْلَحَةٍ مَا يَنْبُوهُ مِنْ تَقْوِيَةِ الْإِسْلَامِ - وَ تَقْوِيَةِ الدِّينِ فِي وُجُوهِ الْجِهَادِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ مِمَّا فِيهِ مَصْلَحَةُ الْعَامَّةِ
لَيْسَ لِنَفْسِهِ مِنْ ذَلِكَ قَلِيلٌ وَ لَا كَثِيرٌ.^۲

در صورتی که تعبیر «وَ الْأَرْضُونَ الَّتِي أُخِذَتْ عَنْهُ بِخَيْلٍ أَوْ رِكَابٍ» اطلاق داشته باشد، روشن می شود که همه اراضی مفتوحة عنوة
اعم از همراه با اذن امام علیه السلام و بدون اذن، ملک امام علیه السلام نیست تا به هر نحو که بخواهند، مورد استفاده قرار دهند،
بلکه صرفاً بر اساس آنچه ایشان مصلحت می دانند، باید در اختیار مسلمانان قرار داده شود.
البته ممکن است گفته شود که این روایت مربوط به زمین های مفتوحة عنوه ای است که والی اخذ کرده است و مقصود از والی نیز،
والی شرعی است؛ لذا معلوم می شود که مربوط به مفتوحة عنوه به اذن امام علیه السلام بوده است و اطلاق گیری از آن مشکل
است.

۱. وسائل الشیعة ۱۵: ۱۵۷.

۲. وسائل الشیعة ۱۵: ۱۱۰-۱۱۱.



جلسه: ۸۲
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

تاکنون به روایاتی مربوط به اراضی مفتوحه عنوه اشاره گردید که از آنها استفاده شده است که اراضی مفتوحه عنوه، حتی اگر بدون اذن امام علیه السلام فتح شده باشند، متعلق به امام علیه السلام نخواهند بود، بلکه متعلق به مسلمانان است. این در حالی است که مرسله وراق، اراضی مفتوحه عنوه بدون اذن امام علیه السلام را متعلق به امام علیه السلام دانسته است. در این شرائط، اگر مرسله وراق به جهت ارسال در سند آن، به صورت کلی پذیرفته نشود، مسأله روشن بوده و حتی حکم قسم بعدی که اراضی مفتوحه عنوه با اذن امام علیه السلام است، هم مشخص می شود که همگی متعلق به مسلمانان هستند و باید در مصالح عامه مسلمین صرف گردد؛ لذا در آن قسم نیز نیاز به بحث وجود نخواهد بود. البته این نتیجه منافاتی با منابع مالی بودن اراضی مفتوحه عنوه برای حکومت اسلامی ندارد؛ چون صرفاً تعیین شده است که جهت مصرف برای مسلمین است، اما حکومت اسلامی است که کیفیت صرف آن برای مسلمانان را تعیین کرده و اجرایی می کند.

اما در صورتی که مرسله وراق حجت دانسته شود، باید نسبت این روایت با روایات ذکر شده، مورد بررسی قرار گیرد. در این زمینه نیز می توان فقرات مرسله وراق را به صورت جدا جدا مورد نسبت سنجی قرار دارد کما اینکه نسبت سنجی مجموعی آن نیز ممکن است.

در صورتی که نسبت سنجی به صورت جدا جدا صورت گیرد، این چنین می شود که در صدر مرسله وراق بیان شده است که «إِذَا غَزَا قَوْمٌ بَغَيْرِ إِذْنِ الْإِمَامِ فَغَنِمُوا كَانَتْ الْغَنِيمَةُ كُلُّهَا لِلْإِمَامِ». این تعبیر شامل زمین و غیر زمین شده و همه را متعلق به امام علیه السلام می داند، در حالی که روایات مربوط به اراضی خراجیه، مطلق اراضی را متعلق به مسلمانان دانسته است؛ اعم از اینکه با اذن و یا بدون اذن بوده باشد. ماده افتراق مرسله وراق، غیر ارض و ماده افتراق روایات اراضی خراجیه، ارض با اذن است. اراضی بدون اذن امام علیه السلام نیز محل اجتماع است. بنابراین نسبت بین دو دلیل، عموم و خصوص من وجه است که در ماده اجتماع که اراضی مفتوحه عنوه بغیر اذن امام علیه السلام است، تعارض رخ می دهد. از طرف دیگر هر دو دلیل مخالف قرآن هستند؛ چون در قرآن کریم بیان شده است که صرفاً پرداخت خمس واجب است و ظهور در این دارد که چهارپنجم دیگر برای مجاهدین است. در نتیجه مرجح قرآنی وجود ندارد و بعد از تعارض در محل اجتماع، تساقط می کنند و باید به عمومات قرآن و یا روایاتی که دلالت بر لزوم پرداخت خمس کرده اند، مراجعه گردد که نتیجه آنها تعلق چهارپنجم باقی مانده به مجاهدین است. بر این اساس، اراضی مفتوحه عنوه بغیر اذن امام علیه السلام متعلق به مجاهدین بوده و از منبع مالی بودن برای حکومت اسلامی خارجی می شود.

در ذیل مرسله وراق نیز بیان شده است که «وَإِذَا غَزَوْا بِأَمْرِ الْإِمَامِ فَغَنِمُوا كَانَ الْخُمْسُ لِلْإِمَامِ». در این تعبیر اگرچه صرفاً به لزوم پرداخت خمس اشاره شده و نسبت به چهارپنجم باقی مانده بیان نشده است که متعلق به مجاهدین است، اما ظهور عرفی در این است که وقتی خمس پرداخت گردد، مقدار باقیمانده برای خود مجاهدین است. اعم از اینکه غنیمت به دست آمده زمین یا غنیمت دیگری باشد. از طرف دیگر روایات اراضی خراجیه به صورت مطلق بیان کرده است که اراضی مفتوحه عنوه برای مسلمانان است. اما نکته ای که در اینجا وجود دارد، ذیل مرسله وراق موافق با قرآن کریم است؛ چون همانند قرآن کریم، صرفاً لزوم پرداخت خمس را مطرح کرده و ما بقی را ملک خود مجاهدین دانسته است. در نتیجه اراضی مفتوحه عنوه به اذن امام علیه السلام، متعلق به مجاهدین و اراضی مفتوحه عنوه بغیر اذن امام علیه السلام نیز متعلق به مسلمانان خواهد بود. این نتیجه به گونه ای است که چه بسا کسی به آن ملتزم نشود و لذا محاسبه فقرات روایت به صورت جداگانه، این نتیجه غریب را به دنبال دارد.



جلسه: ۸۲
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

اما اگر مرسله وراق به صورت مجموعی مورد محاسبه قرار گیرد - که بعید نیست همین روش صحیح باشد -، مرسله وراق بیان کرده است که حکم غنائم اعم از ارض و غیر ارض این است که اگر با اذن امام علیه السلام به دست آمده باشد، متعلق به مجاهدین است و اگر بدون اذن باشد، متعلق به امام علیه السلام است. در نتیجه موضوع مرسله وراق، مطلق غنائم است و در حکم آن تفصیل داده است. اما روایات اراضی مفتوحة عنوه نیز بیان کرده است که با اذن امام علیه السلام و یا بدون اذن ایشان، متعلق به مسلمانان خواهد بود. بر اساس این تقریب، روایات مربوط به اراضی مفتوحة عنوة، اخص از مرسله وراق بوده و مقدم بر آن می شود. در این صورت نتیجه این است که تمامی اراضی مفتوحة عنوه حتی اگر با اذن امام علیه السلام هم نباشد، متعلق به مسلمانان خواهد بود. بعید نیست که حق همین طور باشد.

بنابراین به نظر می رسد که اراضی مفتوحة عنوة، مطلقاً برای مسلمانان است و از اینجا، حکم اراضی مفتوحة عنوة با اذن امام علیه السلام هم روشن می گردد. از نظر منبع مالی بودن نیز هر دو قسم از منابع مالی حکومت اسلامی محسوب می شوند.